

استانیسلاوسکی

زندگی و دستاورد کارگردان بزرگ تئاتر

النا براونوونا پولیاکووا

مترجم

دکتر فریدون پارسا نژاد

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Stanislavski

Elena Iwanowna Poljakowa

سرشناسه:	پالیاکوا، النا ایوانوونا، ۱۹۲۶ م. Poljakowa, Elena Iwanowna
عنوان و نام پدیدآور:	استانیسلاوسکی: زندگی و دستاورد کارگردان بزرگ تئاتر / النا ایوانوونا پالیاکوا ترجمه: دکتر فریدون پارسائزاد
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قطره، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۵۴۷ ص:، جدول
فروست:	سلسله انتشارات - ۱۴۹۸، تئاتر و ادبیات نمایشی - ۲۸۳، تئاتر و قلم - ۲۳
شابک:	978-600-119-460-3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	استانیسلاوسکی، کانستانتین سرگی یویم، ۱۸۶۲-۱۹۳۷ م. - نقد و تفسیر
موضوع:	نمایش - روسیه شوروی - تهیه کنندگان و کارگردانان - سرگذشت‌نامه
موضوع:	بازیگران - روسیه شوروی - سرگذشت‌نامه
شناسه‌ای افزوده:	پارسائزاد، فریدون، ۱۳۲۲ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ الف ۵ / الف ۲۰۶۲ PN
رده‌بندی دیویی:	۷۹۲/۰۲۸
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۲۵۷۸۶۹۵

ISBN: 978-600-119-460-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۴۶۰-۳



استانیسلاوسکی

اِلنا ایوانوونا پولیاکووا
مترجم: دکتر فریدون پارسائزاد
ویراستار: رضی هیرمندی
ناظر: شهرام اقبالزاده
چاپ اول: ۱۳۹۱
چاپ: نهضت پویا
تراژ: ۵۵۰ نسخه
بها: ۱۷۰۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.
تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳
دورنگار: ۸۹ ۹۶ ۸۹ ۹۶
۳-۵۱ ۳۳ ۹۷ ۸۸
صندوق پستی: ۵۱۶۵-۱۴۱۵۵

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com
nashreghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

۹	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	نویسنده‌ی کتاب
۱۵	فصل اول: خانواده، ثروت، هنر و زندگی
۱۷	یک خانهای بزرگ اعیانی در مسکو
۲۴	تئاتر روی صحنه میزی
۲۹	تعطیلات در لیوبیمووکا
۳۵	یک دوستدار شیفته‌ی باله
۳۹	دفاتر خاطرات کوستیا
۴۳	لنسکی، سرمشق و هنرپیشه‌ی مورد ستایش استانیسلاوسکی
۵۰	اپرای مامونتوف‌ها
۵۵	بازیگر آستروفسکی
۵۹	فصل دوم: انجمن مسکو
۶۱	پایان تئاتر نزدیک دروازه‌ی قرمز
۶۵	دون ژوان استانیسلاوسکی
۷۰	عروسی در لیوبیمووکا
۷۹	«آن‌گاه که یک آدم منفی را بازی می‌کنی»
۸۴	زندگی از تئاتر - تئاتر از زندگی
۸۹	سیر به سوی تکامل و یگانگی
۱۰۳	از صحنه‌ی تئاتر آماتور به سوی تئاتر حرفه‌ای

۱۲۳	فصل سوم: تئاتر نو
۱۲۵	دور کردن تکرار و کپی
۱۳۷	کار تمرین ها می تواند آغاز شود
۱۴۲	اولین ملاقات با آنتون چخوف
۱۴۷	افسانه «تئاتر هنرمندان» با نمایش
۱۵۵	زندگی روزمره تئاتر
۱۵۷	یک برنامه ی جدید که افسانه ی تئاتر شد
۱۶۳	استانیسلاوسکی و ایپسن: «هدا گابله»
۱۶۶	منطق شدن کارگردانان استانیسلاوسکی و نیمروویچ دانچنکو
۱۷۴	انگیزه ی «ملت ستم دیده»
۱۷۸	استانیسلاوسکی و گرهات هاپتمان
۱۸۲	دوره ی چخوفی «تئاتر هنرمندان»
۱۹۴	استانیسلاوسکی در مقام نوآفرین مونولوگ
۱۹۷	حال و آینده در کارگردانی های استانیسلاوسکی
۲۰۵	چهره ی تازه ای از انسان بر صحنه ی قرن تازه
۲۱۴	انسان و محیط زیست - انسان و اجتماع
۲۱۹	بازگشت به زندگی
۲۲۲	استانیسلاوسکی و درام های ماکسیم گورکی
۲۳۵	کارگردانی «در اعماق» اثر گورکی
۲۴۶	ژولیوس سزار شکسپیر
۲۵۵	«تئاتر هنرمندان» به ساختمان جدید می رود
۲۶۱	«باغ آبلالو» اثر چخوف
۲۶۹	یکی از برنامه های چخوف
۲۷۲	سفر نمایشی به پترزبورگ
۲۷۴	«تئاتر هنرمندان برای همه» زیر سؤال رفت
۲۷۷	فصل چهارم: یک گروه جدید
۲۷۹	فصل تئاتری مبارزه با سرکشی
۲۹۱	استودیو تئاتر
۳۰۴	دشوارترین فصل های نمایشی

۳۱۱	پایان استودیو تئاتر
۳۱۵	تئاتر هنرمندان مسکو و انقلاب روسیه
۳۱۸	سفر نمایشی به برلین
۳۲۴	تعطیلات استانیسلاوسکی
۳۲۷	«عقل موجد رنج است» اثر گریبایدوف
۳۳۱	«باری زندگی» اثر کنوت هامزون
۳۳۸	«انسان از چیزهای معمایی و پنهانی، وحشتناک...
۳۵۳	خطر تکرار
۳۵۹	گزارش پس از ده سال کارگردانی
۳۶۵	کاوش برای یک رنالیسم نو
۳۷۶	«هنر احساس» و «هنر نمایش»
۳۸۳	سبک ملک اربابی
۳۸۸	بیماری و بهبودی کند: «زمان بهره‌برداری»
۳۹۸	«شما به ما دیکته نمی‌کنید»
۴۰۴	استودیو اول
۴۰۹	اخلاق به عنوان اصل و پایه
۴۲۰	کارگردانی استانیسلاوسکی و «بنوی - Benois»
۴۲۸	جنگ جهانی اول
۴۳۵	فصل پنجم: دوران پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷
۴۳۷	زندگی تازه و خوشبختی در راه است
۴۵۰	تئاتر هنرمندان و انقلاب زحمتکشان
۴۶۴	سنت‌های مثبت باید نگه‌داری شوند
۴۷۲	آفرینش نو هنر
۴۷۵	استانیسلاوسکی و الکساندر بلوک
۴۷۸	فصل تئاتری ۱۹۲۰-۱۹۱۹ «کاین»
۴۸۲	آمیختگی تئاتر و استودیو
۴۸۶	اسباب‌کشی به خیابان لئونتیف
۴۹۱	استانیسلاوسکی و اپرا
۴۹۶	فصل تئاتری ۱۹۲۶-۱۹۲۷

- ۵۰۱ سالگرد، آب معدنی و معالجه، بیماری
- ۵۰۸ کارگردانی از راه دور: اتللو
- ۵۱۲ استانیلاوسکی در سال ۱۹۳۰: بازگشت به مسکو
- ۵۱۷ مشکل شکار برنامه‌ها
- ۵۲۴ تحقیق رویان آکادمی نثارت
- ۵۳۲ آخرین سال زندگی، مرگ و میراث
- ۵۴۵ رویاروی مترجم

پیش گفتار مترجم

آذر ماه سال ۱۳۸۸ همکار وفادارم منصور میرزابابایی در یک گفت و گوی تلفنی از جلسه‌ای در خانه‌ی تنابر برایم تعریف کرد، از بحث و گفت و گویی که هنرپیشگان و کارگردانان داشته‌اند و این که باز افرادی در جلو نام استانیسلاوسکی و شیوه‌اش، تنابر علمی، علامت سؤال گذاشته‌اند!

باعث حیرت و شگفتی بیش از حد من است که در سال ۲۰۱۰، قرن ۲۱، که صدسال از زمان کشفیات استانیسلاوسکی گذشته است، افرادی که به‌طور جدی خود را هنرپیشه و کارگردان می‌نامند، در مورد تنابر علمی شک و تردید داشته باشند!

اختراعات می‌توانند تغییر کنند، کشفیات هرگز

این نوع برخورد مثل این است که افرادی بیایند و بگویند: برق را قطع کنید، دیگر قدیمی شده است یا دیگر نمی‌خواهیم قوانین مربوط به

میکروب‌ها را قبول داشته باشیم. خوب، حالا خیلی وقت است که می‌گویند زمین گرد است، دیگر بس است، یا ما قانون مغناطیس را قبول نداریم. فروید دیگر به درد نمی‌خورد، چه کسی گفته است که حتی امروز کامیوتر لازم است؟

خیلی دلم می‌خواهد بدانم، علت چیست؟ عدم اطلاع؟ عدم درک؟ خیلی برای آموختن؟ یا عذر می‌خواهم، یک نوع لج‌بازی کودکانه؟ کشفیات استانیلاوسکی، همه‌ی قوانین صحنه‌ی تئاتر بود که قبل از او هم وجود داشته‌اند، ولی او اولین کسی بود که به آن‌ها پی برد، مانند دیگران که قوانین را کشف کردند مثل قانون مغناطیس، کشف برق، کشف نیوتن، کشف میکروب و...

این قوانین می‌بایستی یک بار برای همیشه کشف شوند. حال هرکس بخواهد یا نخواهد، این قوانین را او کشف کرده است و بدون آن‌ها تئاتر واقعی را نه می‌توان بازی کرد و نه می‌توان به روی صحنه آورد. شما فکر می‌کنید پله در چه تاریخی ساخته شده است؟ چه کسی برای اولین بار متوجه شد و استعداد و توانایی آنرا داشت، که از قانون علم فیزیک استفاده کند و پله را به وجود آورد، تا در سرتاسر جهان، میلیارد‌ها انسان بتوانند فاصله‌های عمودی را طی کنند؟ در ایران قرن‌هاست پله داریم. پله‌های تخت جمشید را دیده‌اید؟ هم انسان می‌تواند از آن‌ها بالا برود و هم اسب.

حالا تصور کنید، در جلسه‌ای افرادی بیایند و بگویند ما دیگر پله نمی‌خواهیم، پله قدیمی شده است، خوب، آن‌ها در عوض پله، چه پیشنهادی دارند؟ آیا شما تا به حال به جیب‌های کت و شلوار فکر کرده‌اید؟ چه کسی برای اولین بار در میان انسان‌ها، به فکرش رسید که برای لباس‌ها جیب بدوزد؟

الان قرن‌هاست، هر نوع مدلی هم برای البسه طراحی کرده‌اند، برای

جیب‌ها جانشین نیافته‌اند، چرا؟

افرادی که در ایران یا هر کجای دیگر، می‌گویند استانیسلاوسکی دیگر کهنه شده است و دیگر نیازی به «سیستم» او نیست، چه پاسخی دارند برای استانیسلاوسکی و همه‌ی هنرمندانی که تربیت کرد، همه‌ی بازیگرانی که بیش‌تر از نود سال است که در کلاس‌های این «سیستم» در شوروی، آمریکا و اروپا پرورش پیدا کرده‌اند، هم‌چنین در ژاپن، آمریکای لاتین و ایران هم. استادان بزرگ «سیستم» مانند: الیا کازان، لی استراسبرگ، هارولد کلرمن، استلا آدلر، مارکس راینهارت، پیتر اشتاین، چارلی چاپلین، ویوریو دسیکا، لارنس الیویه، ژاک کوپو، مهین اسکویی، مصطفی اسکویی و هنرپیشگانی چون اسموکتونوفسکی، بوندارچوک، تاتیانا ساموئلوا، لارنس الیویه، آنتونی کوئین، مارلون براندو، رابرت دونیرو، پل نیومن، آناچینو، جک نیکلسون، روبین ویلیامز، رابرت دو وال، تام هنکس، آلبرت فیسلی، مونت گومری کلیف، ویویان لی، کاترین هپبورن، فی دونوی، مریل استریپ، مهین اسکویی، مصطفی اسکویی، مهدی فتحی، محمود دولت‌آبادی و... مگر نه این است که این هنرمندان در عمل «سیستم» را ثابت کرده‌اند؟

و تازه، همه‌ی این هنرمندان عده‌ی معدودی از شاگردان «سیستم» هستند. شما ۱۸ فیلم الیاکازان را دیده‌اید؟ بازی‌های رابرت دونیرو را به کارگردانی مارتین اسکورسیزی، هملت بی‌نظیر اسموکتونوفسکی، اتللو فراموش نشدنی سرگئی بوندارچوک، نمایش دایمی «ایلیا» اسموکتونوفسکی در نقش دایی و سرگئی بوندارچوک در نقش «کس»، فیلم جنگ و صلح به کارگردانی، بوندارچوک، بازی‌های مهین اسکویی، در اعماق مارکسیم گورکی با بازی‌های فوق‌العاده‌ی مهدی فتحی و محمود دولت‌آبادی، نمایش شب‌های سفید با مهین اسکویی و محمود دولت‌آبادی، اتللو مصطفی اسکویی، بازی‌های مارلون براندو در

تراموایی به نام هوس، بارانداز، پدرخوانده و بازی اسموکتونوفسکی در فیلم چشمان سیاه.

همه‌ی این آفرینش‌های صحنه‌ای و سینمایی، بدون آگاهی حرفه‌ای از سیستم هرگز امکان‌پذیر نمی‌شد.

باری، گفت‌وگوی تلفنی همکار وفادارم منصور میرزابابایی در آذر ماه ۱۳۸۸، باعث شد تصمیم بگیرم، آرزوی چندین ساله‌ی خود را عملی و ترجمه‌ی این کتاب را آغاز کنم. در همین‌جا از منصور میرزابابایی برای زحماتی که در کار حروف‌چینی و چاپ و دوندگی‌های متداول چنین اقدامی در ایران، متقبل شد، تشکر می‌کنم.

حتماً باید از خویس‌زاد و دوست وفادارم رضی هیرمند، نویسنده و مترجم موفق و گرانمایه، سپاسگزاری کنم. او خواهش مرا پذیرفت تا پس از اتمام کارم، کتاب را یک بار بخواند تا مبادا اشتباهی از طرف من سرزده باشد.

هدفم این است تا همه‌ی دانشجویان رشته‌ی تئاتر، بازیگران، کارگردانان، دست‌آوردان تئاتر واقعی، حتی مخالفان «سیستم»، با پدر بزرگ تئاتر علمی، تئاتر واقعی، تئاتر نوین و پیش‌رفته آشنا شوند و نیز با انسان بزرگی که صرفاً برای تئاتر زندگی کرد و اخلاق را چه در تئاتر و چه در زندگی خصوصی، لحظه‌ای ترک نکرد.

فریدون پارسائزاد - نطنز، زمستان ۱۳۸۹



نویسنده ی کتاب

النا ایوانوونا پولیاکووا متولد ۱۹۲۶ است. رشته ی تحصیلی او علم
تئاتر در مسکو بوده است. کار علمی امتحانی او در پایان نامه اش: «هنر
هنرپیشگی استانیسلاوسکی» بوده است. در فاصله ی ۱۹۵۲-۱۹۶۰
مدیریت دایره ی تاریخ تئاتر مجله ی بزرگ و معروف تئاتر را به عهده
داشت. از ۱۹۶۱ به عنوان محقق در «انستیتو تحقیقات علمی هنر اتحاد

جماهیر شوروی سوسیالیستی» در مسکو مشغول بوده است. اکثر آثار علمی و کتب وی درباره‌ی تئاتر هنرمندان مسکو، تئاتر استانیسلاوسکی، کارگردانی و بازیگری نوشته شده است.

دیگر آثار او: «تئاتر و دراماتورگی» ۱۹۵۹، «استانیسلاوسکی به عنوان بازیگر» ۱۹۷۲، درباره‌ی «لئوپولد زولرشتسکی» همکار استانیسلاوسکی ۱۹۷۰، «زندگی و آثار معمار صحنه، نیکولای زوریش» ۱۹۷۳، بیوگرافی «استانیسلاوسکی» ۱۹۷۸ و «آثاری درباره‌ی «تئاتر و لئوتولستوی»، «هنر تئاتر در روسیه»، «تاریخ تئاتر در روسیه»، و «نسل هنرپیشگان زادووسکی بوده‌اند. نویسنده در این کتاب به زندگی و آثار کنستانتین سرگیوویچ استانیسلاوسکی که در تحولات و ایجاد تئاتر نوین جهان، اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، تأثیر فراوانی داشته، پرداخته است و همچنین درباره‌ی مسکویی که استانیسلاوسکی در آن آثار بخوف، ایسن، و درام‌های گرهارت هاپتمان را به روی صحنه برده و با آن آثار، هنر بزرگ کارگردانی واقعی و علمی را به وجود آورده است و درباره‌ی سفرهای نمایشی بسیار موفق استانیسلاوسکی و گزروش به اروپا و آمریکا و چگونگی اجراهای فراموش نشدنی او.